

اجتناب و دوری از پریشانی‌ها و روش زندگی همراه با آرامش و صفا و صمیمیت مشخص گردد.

مصیبت از دیدگاه عموم

عموماً از نظر مردم مسائلی همچون افلاس، تنگ‌دستی، امراض مختلف، زندان، ورشکستگی، قتل، غارت، قحط، وبا و بلا از جمله مصائب‌اند؛ اما در واقع هیچ یک از مسائل فوق مصیبت نیستند و اطلاق کلمه‌ی مصیبت بر آنها درست نیست. زیرا اینها همه صرفاً حوادث و جریاناتی‌اند که اتفاق می‌افتند، اما معنای اصلی مصیبت و پریشانی این است که قلب انسان از اینگونه احوال متأثر گردد، دل‌تنگ شده و در غم و اندوه فرو رود. البته می‌توانیم احوال فوق را اسباب مصیبت و غم بنامیم اما خود آنها بذاته مصیبت نیستند. لذا همانگونه که بیان شد مصیبت یعنی متأثر شدن و احساس کیفیت‌های خاص همچون دل‌تنگ شدن، ایجاد اضطراب و پریشانی درون.

زندانی و حبس شدن مصیبت نیست بلکه ایجاد نگرانی درونی و غم و اندوه مصیبت است. افلاس و تهی‌دستی مصیبت نیست بلکه به سبب آن غصه خوردن و مضطرب شدن مصیبت است.

تب، طاعون، سرطان، قحط و وبا مصیبت نیست. بلکه در واقع مصیبت تأثر قلبی و سلب آرامش است که به سبب این عوارض و حوادث ایجاد می‌شود.

پس نتیجه این‌که مصیبت کیفیت درونی قلب است و حوادث دنیوی مصیبت نیستند. بنابراین بدور از عقل و تدبیر است که برای از بین بردن مصائب و مشکلات تنها راه حل و تدبیر معقول را اینگونه پیشنهاد کنیم که در دنیا از وقوع حوادث و اتفاقات پیشگیری شود.

این راه حل هرگز کارآمد و موثر نخواهد بود. زیرا اتفاقات و حوادث زمان نه مصیبت‌اند و نه پیشگیری و جلوگیری آنها در اختیار ما است.

بلکه تنها راه حل و تدبیر معقول و مناسب این است که از تشویش و پریشانی‌های قلبی در زمان حوادث جلوگیری نماییم بجای اینکه قلب از مشکلات و مسائل خلاف میل دل‌تنگ گردد آنرا با طبیعت موافق و هماهنگ نماییم به گونه‌ای که بجای اضطراب، لذت حاصل شود.



الحمد لله حکیم الاسلام قاری محمد طیب رحمته

مترجم: عبدالغنی بدری

استاد دارالعلوم زاهدان

اشاره: اثر حاضر پاسخ نامه‌ی یکی از مسلمانان هند است که توسط حکیم الاسلام مولانا قاری محمد طیب رحمته مدیر سابق (ازهر آسیا) دارالعلوم دیوبند نوشته شده است این اثر جهت استفاده خوانندگان گرامی ترجمه شده است؛ امید است مورد رضای حق واقع گردد.

برادر گرامی؛ السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته نامه شما زمانی به دفتر دارالعلوم دیوبند رسیده که بنده در سفر بودم، مسافرت طولانی شد در بمبئی بودم که نامه تان بدستم رسید. به علت گرفتاری زیاد و فرصت کم نتوانستم زودتر از این جوابش را بنویسم اینک از شهر کلکته مشغول نوشتن جواب هستم از اینکه در پاسخ نامه تاخیر شد متاسفم و معذرت خواهی می‌نمایم.

سؤال کرده بودید که در دنیا و جهانی زندگی می‌کنیم که پر از مشکلات و مصائب است پس چه باید کرد تا زندگی راحت و آرامی داشته باشیم؟

برادر عزیز، سؤالتان یک سؤال مهم و اساسی است و در واقع این سؤال خواسته و تمنای قلبهای دردناک و انسانهایی است که از مصائب و مشکلات دنیای کنونی در رنج بسر می‌برند. ناگفته نماند همان قدر که این سؤال مهم و پیچیده است به همان اندازه جوابش آشکار و روشن است؛ برای درک مطلب و پاسخ لازم است قبل از توضیح معنای غم و اندوه را مشخص نماییم تا راه

✓ مصیبت

کیفیت درونی

قلب است و

حوادث دنیوی

مصیبت

نیستند.

بنابراین بدور از

عقل و تدبیر

است که...

محبوب از من یاد کرده و بسوی من متوجه شده و مرا قابل و لایق این برخورد دانسته است.

خلاصه‌ی سخن اینکه مصیبت یعنی امر خلاف طبع و خلاف میل، و راه حل موافق ساختن مخالفت طبع با طبیعت این نیست که طبیعت عالم و جهان را تغییر دهیم زیرا این چیزی است که از اختیار انسانها خارج است پس تنها راه حل کار آمد و مفید این است که طبیعت درونی خویش را تغییر داده توجه آنرا از خود مصیبت بسوی ذاتی متوجه کنیم که مصیبت را نازل و فرود آورده است. نگاه به خود مصیبت نباشد بلکه بر عنایت، توجه و حکمت و تربیت خالق مصائب باشد و مسلم است که این کیفیت حاصل نخواهد شد مگر اینکه بر ذات حق ایمان و بر هر تصرف او اعتماد و اطمینان کامل داشته باشیم. بنابر این برای پایان دادن و خاتمه دادن به مصائب نباید به خداوند سبحان پشت کرد و از او فاصله گرفت بلکه باید به او روی آورد و رجوع کرد. نباید در زمان مصائب غافل شد و به پیش رفت بلکه باید عقب نشینی کرده و بسوی خدای بزرگ برگشت.

اگر کسی برای رفع مشکلات و مصائب به فکر استیصال و از بین بردن حوادث باشد هرگز از مصائب رهایی نمی‌یابد، بدلیل اینکه او لابد برای رفع حوادث و آفات به دنبال سببی خواهد بود که آن سبب خود حادثه‌ای است که در درون آن هم منفعت است و هم ضرر و زیان. پس خود این سبب دفع‌کننده‌ی مصیبت، از ضرر خالی نخواهد بود. در نتیجه بجای از بین بردن مصائب با افزایش مصیبت‌ها دچار خواهد شد و اگر موقتاً مصیبتی دفع شود، مصیبتی دیگر جایگزین آن خواهد شد.

گر گریزی بر امید راحتی هم از آن جا پشت آید آفتی

اما اگر نگاه و فکر وسیع‌تر باشد و انسان مقداری دورتر بیندیشد، یعنی به جای نظر کردن به حوادث، متوجه خالق حوادث باشد و با او ارتباط قلبی برقرار کند آنگاه به حکمت و فلسفه مصائب و حوادث پی خواهد برد و همواره قلبش اسرار و حکمت‌ها را درک خواهد کرد.

هیچ دلیلی برای پریشانی و اضطراب درونی که قلب

در این صورت نه اینکه مصائب و غم‌ها رخت بر می‌بندند بلکه این گونه امور و مسائل باعث راحت قلب و از بین رفتن تمامی پریشانی‌ها خواهد شد.

امروزه مردم دنیا برای بدست آوردن زندگی همراه با آرامش به فکر پایان دادن و از بین بردن حوادث و اتفاقات هستند. اما این فکر و تدبیر در واقع سعی و تلاش برای ممکن ساختن امری ناممکن است و هر اندازه که در جهت این راه حل معکوس اقدام شود به همان اندازه بر اضطراب و نابرابری‌های زندگی افزوده خواهد شد. در این صورت هرگز مشکلات و مصائب حل نخواهند شد.

این چیزی است که همگان مشاهده می‌کنند و می‌بینند. لذا ایجاد تغییر و تحول در جهان، باعث آرامش نخواهد بود بلکه ایجاد دگرگونی و اصلاح درونی سبب سکون و آرامش خواهد بود.

راه حل مؤثر

آسان‌ترین صورت و راه حل مفید این مشکل این است که نگاه خود را از حوادث برداشته و روی منشأ و سرچشمه اتفاقات نظر بیفکنیم. ذاتی که این حوادث و اسباب مصائب و آفات از سوی او بر جهان فرود می‌آیند، آن ذات الله عزوجل خالق و مدبّر جهان هستی است که با حکمت‌های بی‌شمارش این عالم و جهان را عالم اضداد آفرید و در آن راحتی و محنت، نعمت و مصیبت، نفع و ضرر، آرامش و اضطراب را قرار داده است.

اگر با او رابطه محبت و عبودیت و تسلیم و رضا برقرار شود (چیزی که نام او ایمان است) و با عبادت و ریاضت برای حصول آن تمرین نماییم و بر هر تصرف و تقدیر او اطمینان و اعتماد کامل داشته باشیم آنگاه این ارتباط با محبت، هر تلخی را شیرین و هر ناگوار را گوارا می‌سازد. در این صورت قلب از حوادث و اتفاقات متأثر نمی‌گردد و تشویش و اضطراب را نمی‌پذیرد. از محبت تلخها شیرین شود. زیرا هر آنچه که از سوی محبوب برای محب و عاشق آید لذیذ و محبوب است حتی مشکل و مصیبتی که از سوی محبوب وارد شود عاشق آنرا سبب راحتی می‌داند زیرا او بر این پندار است که

✓ مردم دنیا

برای بدست

آوردن زندگی

همراه با آرامش

به فکر پایان

دادن و از بین

بردن حوادث و

اتفاقات

هستند...

انسان از آن متأثر و اندوهگین شود وجود نخواهد داشت.

انسانی که غرق محبت و عشق الهی باشد حوادث و آفات را توجه و عنایت خالق و محبوب پنداشته عملاً در درون خویش لذت و حلاوت احساس می‌کند و از فرط محبت و لذت، فرصت توجه و تفکر بسوی خود حوادث و مصائب پیدا نخواهد کرد زیرا او نه اینکه تنها نعمت را نعمت می‌پندارد، بلکه مصیبت نیز برای او نعمت و سبب لذت است و در نتیجه از مصائب و پریشانی‌های زندگی رهایی می‌یابد. لذا آرامش، راحت و سکون قلب در اسباب ظاهری راحتی و آرامش نیست بلکه در ارتباط عمیق و تعلق قلبی مستحکم با مسبب اسباب است.

هیچ کنجی بی دد و بی دام نیست

جز بخلوت گاه حق آرام نیست

خلاصه‌ی بحث اینکه برای کسب و جلب آرامش و آسایش در زندگی دو راه حل وجود دارد اول اینکه از مصائب دل تنگ و مضطرب شده و از طریق اسباب به فکر از بین بردن و مبارزه با حوادث باشیم.

راه حل دوم این است که بوسیله ارتباط با مسبب اسباب و عشق الهی مصائب و مشکلات را توجه و عنایتی از سوی محبوب دانسته و از ته دل بر آن راضی و شیوه‌ی تسلیم و رضا را اختیار نماییم.

راه حل اول نظر و پیشنهاد فلاسفه و بندگان عقل است آنهایی که حتی برای لحظه‌ای از مصائب رهایی نیافتند نه خود مطمئن شدند و نه توانستند در دیگران اطمینان و آرامش ایجاد کنند، خود مبتلا و جهانی را نیز مبتلای مصائب و آلام کردند.

نتیجه‌اش این شد که آرامش و سکون برای همیشه از دنیا رخت بر بست، اسباب ظاهری راحتی و آسایش زیاد شد اما خود راحتی هرگز بدست نیامد.

راه حل دوم نظر و راهنمایی بندگان حق (انبیاء و اولیا) است، این گروه به جای اضطراب و دل‌تنگی از حوادث عالم، آنرا عنایت رب العالمین و منشأ حق پنداشته قلب هایشان آرامش گرفت و امواج متلاطم پریشانی و ناراحتی در درون آنها معنایی نداشت. آنان

خود مطمئن و مشرح و به جهانی نیز اطمینان و آرامش بخشیدند، لذا ناراحتی و پریشانی برای همیشه از زندگی آنها و پیروان آنها وداع گفت و راحت و شاد کامی جایگزین آن گردید.

«الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم و لاهم یحزنون ○
الذین آمنوا و كانوا یتقون ○ لهم البشری فی الحیوة
الدنیا و فی الآخرة لا تبدل لکلمات الله ذلك هو الفوز
العظیم»؛^(۱) هان! بیگمان دوستان خداوند (سبحان)
ترسی بر آنان (از خواری در دنیا و عذاب در آخرت)
نیست و (بر از دست رفتن دنیا) غمگین نمی‌گردند (چرا
که در پیشگاه خدا چیزی برای آنان مهیا است که بسی
والا تر و بهتر از کالای دنیا است) ○ (دوستان خداوند)
کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و تقوا پیشه کرده‌اند ○
برای آنان در دنیا (به هنگام مرگ) و در آخرت (در
هنگامه‌ی رستاخیز) بشارت (به خوشبختی و نیکبختی)
است. سخنان خدا (یعنی وعده‌هایی که خدا به
پیغمبرانش مبنی بر پیروزی و بهروزی و سعادت دو
جهان داده است) تخلف‌ناپذیر است. این (چیزی که در
دنیا و آخرت بدانان مژده داده می‌شود) رسیدن به آرزو و
رستگاری بزرگی است.

حکایت شده که افلاطون از حضرت موسی علیه السلام
پرسید اگر آسمان را کمان و مصائب و مشکلات را
تیرهای آن کمان و خداوند را تیر انداز تصور کنیم، آنگاه
راه گریز و نجات چه خواهد بود؟

اگر به عقل مراجعه کنیم جوابی جز مایوسی و
نامیدی نداریم چون هیچ راهی برای نجات بنظر
نمی‌رسد زیرا انسان نمی‌تواند از دایره‌ی آسمان خارج
شود و نه از احاطه‌ی خداوند عزوجل. بدون شک باید
تیر مصائب اصابت کند ظاهراً راه حلی برای نجات
وجود ندارد. اما انبیاء علیهم السلام نظر و توجه شان
چون فلاسفه بر عقل محدود نیست که بوسیله‌ی آن
راههای علم و عمل شان را نیز محدود کنند زیرا ارتباط
آنها با خالق عقل است. پروردگاری که در کمالات و
تصرفات خویش لامحدود است و این ارتباط نیز رابطه
عشق و محبت است ارتباطی که اسراری فراتر از شش

✓ انسانی که
غرق محبت و
عشق الهی
باشد حوادث و
آفات را توجه و
عنایت خالق و
محبوب
پنداشته عملاً
در درون
خویش لذت و
حلاوت
احساس می‌کند
و از فرط محبت
و لذت، فرصت
توجه و تفکر
بسوی خود
حوادث و
مصائب پیدا
نخواهد کرد.

جهت را درک می‌کنند.

بوجود خواهد آمد.

عقل گویدشش جهت‌راهیست حدی بیش نیست
عشق گوید هست راهی بارها من رفته‌ام
موسی علیه السلام در جواب فرمود راه نجات آسان است و آن
اینکه انسان در کنار تیرانداز قرار گیرد نه تیر به او اصابت
می‌کند و نه آسیبی به او می‌رسد.

خلاصه‌ی کلام اینکه تنها راه حل حصول راحتی و
آرامش این است که بجای پیش رفتن بسوی دنیا و
مادیات باید از آن برگشت و رابطه و تعلق با خالق بر
قرار کرد و اعتماد بر آن ذات بر حقی باشد که اکثر انسانها
اترا فراموش و از او فاصله گرفته‌اند. اگر انسانهای راه گم
کرده و سرگردان جهان کنونی به دنبال زندگی راحت و با
آرامش اند و می‌خواهند چند صباح خویش را با
خوشحالی و خرمی سپری کنند، باید تغییر مسیر دهند
با ساختن انواع تسلیحات و بمب اتم و با سفر به کره‌ی
ماه و سیارات دیگر راحتی و آرامش بدست نمی‌آید،
بجای این اقدامات باید به درگاه وسیع خدای بزرگ
رجوع کرده قانون و آئین مستند او را مشعلی راه زندگی
قرار داده راه عبودیت را برگزینند زیرا هیچ کس از درگاه
او مأیوس نیامده و مأیوس نخواهد آمد.

آری خواننده‌ی گرامی در کنار الله قرار گرفتن، ذکر الله
و یاد حق است به حدی که انسان غرق یاد او باشد و
خویشتن را با تمام وجود به او بسپارد. نتیجه محبت و
سر سپردن عاشق این خواهد بود که هر تلخی برای او
شیرین و تفکر او اینگونه خواهد بود.

ناخوش تو خوش بود بر جان من
دل فدای یار دل رنجان من
از اینگونه تفویض و سر سپردن دنیا بنظر او چنان
خواهد شد که:

علاوه بر این هیچ راهی برای رستگاری وجود ندارد.
باز آ باز آ هر آنچه هستی باز آ
گر کافر و گبر و بت پرستی باز آ
این درگه ما درگه نومییدی نیست
صدبار اگر تویه شکستی باز آ

زنده کنی عطای تو و ربکشی فدای تو
دل شده مبتلای تو هر چه کنی رضای تو
مسلم است با دل بستن به حق و این نوع عشق و لذت،
مجال تأثر از مصائب و آفات نیست چه رسد که حوادث
دل عاشق را مضطرب و یا در وجود او پریشانی و
تشویق ایجاد نماید در این صورت اضطراب قلبی
تبدیل به آرامش و اطمینان خواهد شد و این اطمینان
پایه و اساس لذت و راحتی است، به همین جهت است
که بنده عقل هرگز به راحت قلب نمی‌رسد و بنده‌ی حق
هرگز پریشان نمی‌شود «الا بذكر الله تطمئن القلوب».
فریب خوردگان عقل همواره راه اسباب را برمی‌گزینند و
دست خالی می‌مانند و هیچ نفعی عائدشان نمی‌شود.
اما بندگان حق همیشه بر راه تسلیم و تفویض رهرو و
رستگارند. لذا بزرگترین اشتباه مردم دنیا این است که
اسباب راحتی را راحت و اسباب مصیبت را مصیبت
می‌پندارند، به همین جهت است که تنها راه حل و تدبیر
معقول بنظر آنها فراهم کردن تمامی اسباب و امکانات
مادی است در حالیکه ثابت شد چه بسا این روش باعث
سلب آرامش و سکون خواهد بود به هر اندازه از این
روش برای کسب راحتی و دفع مصائب تلاش انجام
گیرد به همان مقدار از راحتی و آرامش قلبی فاصله

✓ در کنار الله
قرار گرفتن، ذکر
الله و یاد حق
است به حدی
که انسان غرق
یاد او باشد و
خویشتن را با
تمام وجود به او
بسپارد.



معارف فریبی
معارف انسانی